

● معرفی و نقد کتاب

اروپا در سده نوین: دیدگاه در مورد یک ابرقدرت در حال ظهور

Robert J. Guttman; *Europe in the New Century: Visions of an Emerging Superpower*
(Colorado: Lynne Rienner, 2001).

اروپایی در سیاست جهانی از یکسو و روند گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپایی از سوی دیگر؛ شناخت هرچه بیشتر اتحادیه را به ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل نموده است. در این راستا؛ به نظر می‌رسد نیل به شناختی مؤثر و معتبر از چشم‌انداز میان‌مدت جایگاه اتحادیه اروپایی در سیاست جهانی و ماهیت روابط اتحادیه با آمریکا مهمتر از مسائلی مانند سابقه شکل‌گیری اتحادیه و مسائل داخلی آن است که معمولاً در ادبیات سیاسی و کتب منتشره مورد توجه قرار می‌گیرد. کتاب «اروپا در سده نوین: دیدگاه‌ها در مورد یک

این کتاب در سال ۲۰۰۱ به صورت مجموعه مقالات، در قالب سه فصل و دو مصاحبه اختصاصی (با وزرای خارجه پانزده کشور عضو اتحادیه و شهروندانی از هر یک از پانزده کشور عضو در مورد اروپای کنونی و چشم‌انداز سال ۲۰۲۰ آن)؛ توسط انتشارات «لین رینر» در ایالات متحده منتشر شده است. ویراستار کتاب «رابرت گوتمن» استاد دانشگاه‌های «جرج واشنگتن» و «آمریکن یونیورسیتی» و «متخصص ارتباطات سیاسی» و «سیاست آمریکا» می‌باشد. روند روبه گسترش جایگاه اتحادیه

ابرقدرت در حال ظهور» با توجه به این اولویت تألیف شده است.

به لحاظ محتوایی؛ این کتاب را می‌توان آئینه شفاف‌ی از تحولات محتوایی روابط «فراآتلانتیکی» (اروپا و آمریکا) به‌ویژه در دهه اخیر، دورنمای بیست ساله آن و نوع نگرش اروپا به خود و آمریکا دانست.

بررسی محتوایی کتاب

در دوره انتقالی پس از فروپاشی سیستم دوقطبی نظام بین‌الملل، مباحث فراوانی در مورد ماهیت و آینده ساختار نظام بین‌الملل در محافل دانشگاهی و علمی مطرح گردید اما اهمیت موضوع موجب شده است این مسأله حتی در اظهارات مقامات رسمی و شخصیت‌های بین‌المللی نیز به گونه‌های مختلفی مطرح شود. نظام تک‌قطبی و نظام سلسله مراتبی از جمله مفاهیمی بود که برای تبیین وضعیت موجود و چشم‌انداز نظام بین‌الملل مورد استفاده قرار گرفت. به‌رغم اذعان همه صاحب‌نظران به قدرت منحصر به فرد نظامی، تکنولوژیک، علمی و مالی آمریکا در عرصه بین‌المللی؛ ظهور قدرت‌های جدید در

قالب ائتلاف‌های منطقه‌ای، پویایی حیرت‌انگیز کشورهایمانند چین و هند در عرصه‌های اقتصادی و تکنولوژیک، سنگین‌تر شدن روزافزون جایگاه سیاسی کشورهایمانند برزیل و مکزیک همگی نشان از آن است که پتانسیل‌های مهمی برای ظهور تأثیرگذار در عرصه نظام بین‌الملل وجود دارد. شناخت این پتانسیل‌ها و میزان تأثیرگذاریشان بر نظام نوین بین‌المللی برای آشنایی با این سیستم و چشم‌انداز آن اجتناب‌ناپذیر است. بدون تردید، مهمترین این پتانسیل‌ها را باید اتحادیه اروپایی دانست. کتاب حاضر پاسخ به سه سؤال زیر در راستای شناخت مناسبی از اتحادیه اروپایی به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی است:

۱. اتحادیه اروپایی از نظر درونی و در معادلات بین‌المللی چه تعریفی از خود دارد؟
۲. ماهیت و پویای روابط فراآتلانتیکی (اروپا و آمریکا) چیست؟
۳. روند برون‌گرایی و ترکیب ابزارهای اتحادیه اروپایی در این زمینه چه دورنمایی را برای جایگاه بین‌المللی اتحادیه نشان می‌دهد؟

فراگیری است که می‌تواند شکلی از فدراسیون و کنفدراسیون تا ایالات متحده اروپا داشته باشد؟ در این صورت مرزهای جغرافیایی آن نظام سیاسی تا کجا گسترش خواهد داشت؟ به‌طور طبیعی هر پاسخی به این سؤالات، متضمن تعیین جهت‌گیری جاری و سرنوشت آتی اتحادیه نیز خواهد بود و مهمتر این که پاسخ سؤال مهمتری را نیز روشن خواهد نمود که آیا اروپا قادر خواهد بود از قدرت سیاسی و نظامی، متناسب با جایگاه اقتصادی خود در سطح جهانی برخوردار باشد؟

از نظر درونی و رسمی استمرار مناقشه میان دو حلقه کشورهای کوچک و بزرگ اتحادیه در خصوص اصلاحات سازمانی (اندازه و کارکرد کمیسیون اروپا، حق رأی هریک از اعضا در شورای اروپا) و پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه ناظر بر همین معناست که سؤالات یاد شده تاکنون پاسخ مشخصی پیدا ننموده است. پیامد استمرار این مناقشات را می‌توان در سطوح مردمی کشورهای مختلف اتحادیه مشاهده نمود. یک نظرسنجی انجام شده توسط نهادهای رسمی اتحادیه نشان می‌دهد که در مقابل ۳۴٪ شهروندان اروپایی که

خلاصه فصول کتاب: پاسخ به سؤالات سه‌گانه

پنج مقاله فصل اول کتاب با تشریح مسیر وحدت اتحادیه اروپا، مبانی فکری این روند و چشم‌انداز آن از زاویه بازسازی مفهوم دولت - ملت در اروپای سده ۲۱، معتقد است اروپای سال ۲۰۲۰ مجموعه‌ای خواهد بود با مسایل همیشگی این قاره که پاسخ‌های متفاوت و نوینی برای آنها ارائه می‌نماید. عمده‌ترین این مسایل در شرایط جاری را باید استمرار وجود مرزهای ذهنی و عینی ملی (در ابعاد سیاسی، جغرافیایی و امنیتی) میان کشورهای عضو دانست که به‌طور طبیعی بر نگرش برونی اروپا و قدرت آن در عرصه بین‌المللی تأثیرگذار خواهد بود زیرا نیل به رهیافت مشترک و مشخصی برای هر مسأله بین‌المللی و حتی اروپایی تابعی از امکان و میزان نیل به نوعی اجماع میان پانزده یا به عبارت درست‌تر، بیست و پنج کشور عضو خواهد بود. این مسأله در واقع همان مسأله دیرپای اروپاست که امروز در سطوح مختلف سازمانی اتحادیه به اشکال گوناگون خود را نشان می‌دهد: آیا اتحادیه اروپایی صرفاً یک منطقه آزاد تجاری است؟ یا نظام سیاسی

معتقدند روند همگرایی اروپا ناموفق بوده یا توفیق اندکی داشته است، ۵۴٪ معتقدند این روند موفق بوده است، اما در عین حال بالاترین شاخص «احساس هویت شهروندی اروپایی» در لوکزامبورگ ۱۳٪، در فرانسه ۷٪ و در کشورهای مانند ایرلند، یونان و فنلاند فقط ۱٪ است.

با توجه به استمرار این وضعیت است که رومانو پرودی رئیس کمیسیون اروپا در مقدمه مختصر و مفیدی که بر این کتاب نگاشته، تکوین روش‌های جدید اداره امور (به معنی اصلاح نهادهای اتحادیه) و تعیین سرزهای جغرافیایی را به عنوان دو چالش کلان اتحادیه در سده نوبین مورد اشاره قرار داده است.

به این ترتیب بخشی از پاسخ سؤال اول بدین گونه شکل می‌گیرد: به‌رغم اقدامات چشمگیری مانند تأسیس بازار مشترک، انتشار یورو و پیمان شنگن که موفقیت‌های بزرگی برای روند همگرایی اروپا تلقی می‌شود؛ اتحادیه اروپایی از نظر داخلی و در هر دو سطح رسمی و به تبع آن، مردمی (شکل‌گیری هویت اروپایی) همچنان خود را به عنوان «پدیده‌ای در حال شکل‌گیری» تعریف می‌نماید و لذا میزان

تأثیرگذاری آن در عرصه بین‌المللی تابعی از میزان اجماع و همسویی اعضا در پاسخ به سؤالات یاد شده خواهد بود.

هفت مقاله فصل دوم که در واقع مهمترین بخش کتاب تلقی می‌شود، علاوه بر مسایل امنیتی مانند گسترش ناتو و تشکیل ساختار دفاعی اروپا، آینده سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه، روابط فرآتلانتیکی، روابط اروپا با آسیا، خاورمیانه و روسیه و دیپلماسی کمک‌های بشردوستانه اروپا را تشریح می‌نماید. به عبارت دیگر پاسخ بخش دوم از سؤال اول (جایگاه اتحادیه در عرصه جهانی) و سؤال دوم (ماهیت و پویای روابط فرآتلانتیکی) را می‌توان در این بخش پیدا نمود. نویسندگانی مانند کریستوفر پاتن کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپایی، با اذعان به محدودیت‌های قابل توجه اروپا (به‌ویژه در ابعاد امنیتی، نظامی و سیاسی) در برابر آمریکا، به روشنی نشان می‌دهند ماهیت روابط فرآتلانتیکی به‌گونه‌ای است که از نظر امنیتی، پذیرش جایگاه برتر آمریکا از سوی اروپا در واقع کلید امنیت این قاره است و از نظر سیاسی و اقتصادی نیز تردیدی در جایگاه برتر آمریکا

پذیرش و اجرای این اصل از سوی اروپا می‌داند زیرا اغماض با نگرش آمریکایی نسبت به روند یاد شده و پیامدهای آن؛ به نوبه خود موکول به اطمینان از عدم اراده هر نوع حرکت جدایی طلبانه اروپا نسبت به ماهیت روابط فرآتلانتیکی است.

با توجه به مباحث یاد شده، دو پاسخ مطرح شده در این بخش آن است که ۱- اروپا در عرصه بین‌المللی نقش مکمل (نسبت به نقش آمریکا) برای خود قابل است، ۲- ماهیت روابط فرآتلانتیکی براساس برتری نقش آمریکا شکل گرفته است. هرگونه تغییر نسبی در جایگاه بین‌المللی اروپا موکول به حفظ و بازتولید نوعی اعتماد در روابط فرآتلانتیکی از سوی اروپا است. بدیهی است نوع نگرش حاکم در آمریکا (جمهوری خواه، دموکرات یا نئومحافظه کار) نیز

وجود ندارد اما در عین حال اروپا نیز ثابت نموده است که از امکانات اقتصادی غیرقابل اغماضی برای بازی در عرصه بین‌المللی برخوردار است. لذا مارتین واکر در مقاله اول این فصل به خوبی نشان می‌دهد که از نظر روابط فرآتلانتیکی؛ پویایی و انسجام نسبی دهه اخیر اروپا (پس از پیمان آمستردام و در قالب شکل‌گیری سیاست خارجی و امنیتی مشترک و هویت دفاعی اروپا) ریشه در تعدیل مواضع آمریکا و نگرش مثبت دولت کلینتون در برابر ابعاد ماهوی ظهور قدرت اروپا دارد.^۱ در این تحلیل، تجارب سیاسی و امکانات اقتصادی اروپا بخشی از پتانسیل این ابرقدرت در حال ظهور ارزیابی می‌شود که در حال حاضر، برای اروپا نقش مکمل دیپلماسی آمریکا در مواردی مانند بحران خاورمیانه و روابط غرب با روسیه را فراهم نموده است. به عبارت دیگر، این

۱. قبل از این اغماض یا نگرش مثبت دولت کلینتون نسبت به اتحادیه اروپایی، دولت بوش با ارسال نامه‌ای موسوم به «نامه بارتولمف» به اروپا هشدار داده بود اگر در پی تأسیس سیاست امنیتی و دفاعی مستقل از ناتو باشد، ممکن است آمریکا در تعهد خود نسبت به ناتو تجدیدنظر نماید.

۲. We pay - They Say. کریستوفر پساتن کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپایی با پذیرش صریح حاکمیت این اصل در روابط فرآتلانتیکی، آن را نوعی تقسیم کار منطقی میان طرفین براساس توانمندی‌های آنها می‌داند.

نگرش یا اذعان به استمرار حاکمیت اصل «تصمیم از آنها - هزینه از ما»^۲ در روابط فرآتلانتیکی، دورنمای استمرار روند جاری تقویت اتحادیه (در ابعادی مانند سیاست خارجی یا هویت دفاعی) به عنوان بستر ارتقای جایگاه آن در عرصه بین‌المللی را موکول به

به نوبه خود تعیین‌کننده برآیند روابط فراتلانتیکی خواهد بود.

انتشار یورو به عنوان نماد بیرونی همگرایی اقتصادی اروپا، تلاش در راستای نیل به سیاست خارجی و امنیتی مشترک و تأسیس ساختار دفاعی مستقل اروپا به عنوان نمادهای همگرایی سیاسی و امنیتی اروپا را می‌توان سه ابزار اصلی برون‌گرایی یا تقویت جایگاه اتحادیه در سطح بین‌المللی دانست. مؤلف، هر سه گام یاد شده را در روند عمومی همگرایی اتحادیه اروپایی موفقیت‌های قابل توجه ارزیابی می‌نماید اما در بررسی زوایای مختلف هریک از این اقدامات به منظور نیل به چشم‌انداز جایگاه بین‌المللی اتحادیه در عرصه جهانی؛ ملاحظات درونی ساختار اتحادیه را در کنار دیدگاه‌های اروپا نسبت به آنها تشریح می‌نماید که به نوبه خود متضمن نکات قابل توجهی است. در بخش دفاعی و امنیتی؛ کریستوفر پاتن کمیستر روابط خارجی اتحادیه در مقاله خود با تأکید بر این که اروپا از طریق تأسیس ساختار مشترک دفاعی صرفاً به دنبال مشارکت در تأمین امنیت خود اروپا و امنیت بین‌المللی یا به عبارت دقیق‌تر، تحقق اصل «اشتراک در مسؤلیت» است،

هرگونه تصور رقابت امنیتی و دفاعی با آمریکا یا ناتو را مردود دانسته و تصریح می‌نماید حضور آمریکا در قاره اروپا، بخشی کلیدی از امنیت این قاره تلقی می‌شود. در زمینه سیاست مشترک خارجی و امنیتی نیز مؤلف همگام با تشریح اقدامات انجام شده مانند تأسیس نهادهای لازم در این زمینه، به روشنی اشاره می‌کند که کشورهای عضو؛ کمترین میزان تفویض حاکمیت به اتحادیه را در این حوزه انجام داده‌اند و در واقع حاکمیت اصل اجماع در تصمیمات سیاست خارجی به عنوان مشکل بزرگ سیاست مشترک خارجی و امنیتی اروپا تلقی می‌شود.

جان کونالی وزیر خزانه‌داری آمریکا در زمان نیکسون همیشه به اروپاییان می‌گفت: «دلار پول ما و مشکل شماست». لیونر باربر نویسنده اولین مقاله از فصل سوم کتاب معتقد است با انتشار یورو؛ به نظر می‌رسد این دوران پایان یافته و پول یکسان اروپایی می‌تواند رقیب جدی دلار باشد یا حداقل در کنار دلار و یورو، مثلث تعیین‌کننده نظام پولی بین‌المللی را تعریف نماید. قدرت اقتصادی قابل توجه اروپا در مقایسه با آمریکا (۷/۹ در برابر ۱۰/۲ تریلیون دلار از نظر تولید ناخالص داخلی) در مقایسه با

روابط فرآتلانتیکی.

جمع بندی

کتاب «اروپا در سده نونین: ابعاد یک ابرقدرت در حال ظهور» برای پاسخگویی به این سؤال تدوین شده است دورنمای سال ۲۰۲۰ اتحادیه اروپایی به عنوان یک قدرت بین‌المللی چیست؟ برآیند مباحث مطرح شده در کتاب آن است که اتحادیه اروپایی - به تعبیر مؤلف - ابرقدرتی در حال ظهور است که در زمینه تأسیس ظرفیت‌های سیاسی، امنیتی - نظامی و پولی (یورو)، تجربه‌ای چشمگیر داشته و روندی صعودی را تجربه می‌نماید اما با درک مسایل داخلی خود و ماهیت روابط فرآتلانتیکی، تا نیل به جایگاهی متناسب با امکانات اقتصادی خود در عرصه بین‌المللی عملاً نقش مکمل آمریکا در عرصه بین‌المللی را ایفا خواهد نمود. این امر ضمن رفع هرگونه سوءظن آمریکا نسبت به روند یادشده؛ امکان استمرار روند جاری برای اتحادیه را فراهم می‌نماید.

رضا زیب

اداره اول اروپای مرکزی و شمالی

آمریکا از یکسو و بازار ۳۰۰ میلیون نفری مصرف آمریکا نیز از جمله ابزارهای اروپا در این رقابت محسوب می‌شوند. اما گستردگی و عمق بازار سرمایه آمریکا که به تنهایی ۳۰٪ بیشتر از کل بازار سرمایه اروپاست از یکسو و سلطه دلار در بازارهای پولی دنیا (به عنوان ارزی که ۴۸٪ تجارت جهانی و ۸۰٪ مبادلات پولی از طریق آن انجام می‌شود) که به مراتب فراتر از سهم آمریکا در تجارت و اقتصاد جهانی است؛ نشان می‌دهد که عمر محدود یورو برای ارزیابی آن به عنوان رقیب جدی دلار یا ابزار اقتصادی اروپا در عرصه سیاست و اقتصاد بین‌الملل کافی نیست و کارشناسان همچنان باید منتظر گذشت زمان و تجربه کارکرد این پول باشند.

براساس مباحث فوق، پاسخ سؤال

سوم آن است که اروپای برخوردار از یورو، سیاست مشترک خارجی و امنیتی و ساختار دفاعی؛ از زیرساخت‌های لازم برای پرونگرایی و حضور تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی برخوردار است اما بهره‌گیری بهینه از این ساختارها تابعی است از حل مسایل درونی اتحادیه (و به تعبیر رومانو پرودی؛ تدوین سسیاست‌های بهتر اداره امور) و